

## ذره بین

### اقدام به خودکشی در ساختمان هلال احمر

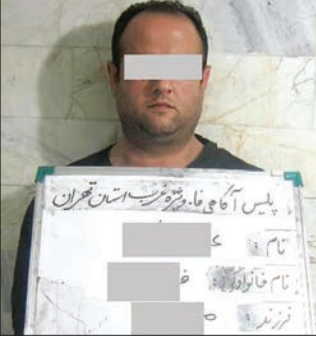
مرد بیمار در ساختمان هلال احمر با مرگی خودخواسته به زندگی اش پایان داد. صبح روز چهارشنبه ۲ مهرماه مردی ۳۹ساله برای تأمین بخشی از هزینه‌های درمان بیماری خود به ساختمان جمعیت هلال احمر مراجعه کرد و در چشم برهم‌زدنی با انگیزه‌ای نامعلوم سرگ خودخواسته‌ای را رقم زد. به گزارش اداره کل روابط‌عمومی جمعیت هلال احمر، صبح روز چهارشنبه مردی میانسال برای دریافت مساعدت مالی خرید داروهای خاص بیماری صرع خود به ساختمان هلال احمر واقع در خیابان ولیعصر مراجعه کرد. با ثبت تقاضای او از طریق اتوماسیون اداری پیگیری درخواست او در دستور کار قرار گرفت. برحسب مقررات، این مرد به معاونت منابع داوطلبی و خدمات اجتماعی رجوع و راهنمایی شد.

اما ناگهان ورق برگشت و مرد ۳۹ساله پس از خروج از دبیرخانه واقع در طبقه همکف، به سمت راه‌پله‌های منتهی به پارکینگ جمعیت هلال احمر رفت و در یک چشم بر هم زدن خودش را از طبقه همکف به پارکینگ چهارم انداخت.

نیروهای حراست جمعیت بلافاصله به سمت محل حادثه رفتند و با اورژانس تماس گرفتند. چند دقیقه بعد صدای آژیر اورژانس تهران در محوطه ساختمان هلال احمر پیچید. کادر پزشکی اورژانس عملیات نجات این مرد را آغاز کردند اما چند دقیقه بعد مرگ او توسط پزشک اورژانس تأییدشد.

لازم به توضیح است که براساس مقررات، دریافت هرگونه کمک مالی یا دارویی از جمعیت هلال احمر از طریق سازمان داوطلبان این جمعیت و توسط واحد مدد کاری مستقر در سازمان انجام می‌شود.

### پایان کلاهبرداری یک کارمند شهر داری



کلاهبرداری یک کارمند شهرداری به ایستگاه زندان رسید. این مرد به بهانه خرید زمین از همکارانش ۲۰میلیارد ریال کلاهبرداری کرده بود.

چندی پیش یک پرورنده کلاهبرداری پیش روی پلیس شهرا قرار گرفت. بررسی‌ها نشان می‌داد کارمند شهرداری یکی از مناطق شهریار به بهانه خرید زمین، از همکاران خود ۲۰ میلیارد ریال کلاهبرداری کرده است. با توجه به حساسیت پرورنده، موضوع سریع‌با اداره مبارزه با جعل و کلاهبرداری پلیس آگاهی ارجاع شد. با آغاز تحقیقات از محل کار متهم محل سکونت و تلفن‌های وی مورد شناسایی قرار گرفت اما مشخص شد این مرد به همراه خانواده‌اش به نقطه‌نامعلومی رفته‌است.

پلیس به ردیابی‌های تخصصی تر دست زدو مشخص شد این مرد در شهرستان‌های رشت، فومن و لاهیجان تردد دارد. موقعیت‌های او رصد شد و لحظه به لحظه تحت کنترل قرار گرفت. متهم هر روز سیم کارت جدیدی استفاده می‌کرد و به‌طور کاملا حرفه‌ای جابه‌جا می‌شد و آدرس‌های خود را تغییر می‌داد. سرانجام شامگاه سه‌شنبه یکی از تلفن‌های وی در شهرستان لاهیجان مورد ردیابی قرار گرفت و بانجام تعقیب و مراقبت‌های شبانه‌روزی، با هماهنگی مقام قضایی متهم در هنگام تغییر محل اقامت خود در عملیات پلیسی دستگیر شد.

### نجات دو شکارچی در سد کرچ



دو شکارچی که در سد کرچ گم شده بودند با تلاش امدادگران هلال احمر نجات یافتند. ساعت ۲۰ شامگاه سه‌شنبه، از طریق تماس مردمی با مرکز فوریت‌های امدادی ۱۱۲، امدادگران با یگانه چالوس در جریان گرفتار شدن دوتن قرار گرفتند.

بلافاصله دو تیم جست‌وجو به ضلع شرقی سد کرچ واقع در مجوز کرچ چالوس اعزام شدند. امدادگران پس از ساعت‌ها توانستند دو شکارچی گرفتار در محل را بیابا کنند.

سختگویی سازمان امداد و نجات جمعیت هلال احمر با بیان این که این دو شکارچی به دلیل تاریکی هوا راه خود را گم کرده بودند، گفت: سرانجام امدادگران این دونفر را نجات دادند.

**جعفر پاکزاد** | دختر جوانی که از خون پدرش گذشت و راننده گناهکار را بخشید حالا به‌خاطر بخششی که انجام داده از خانواده طرد شده است.

دختر جوان سر درواهی بود. پدرش در یک تصادف مرگبار جان باخت اما اصرارهای اقوامش برای گرفتن دیه کابوس هر شبش شده بود. از طرفی وقتی در جریان زندگی پسر از درد و غصه راننده قرار گرفت دلش به رحم آمد و به فکر رضایت دادن افتاد. می‌دانست اگر رضایت دهد، خانواده‌اش او را سرزنش می‌کنند اما دلش به حال دو کودک بیمار راننده می‌سوخت. او بر گه رضایتنامه را امضا کرد. راننده دوباره به آغوش خانواده‌اش باز گشت اما دختر جوان برای این اعلام رضایت پهای سنگینی را داد. حالا دختر جوان دست به کار شده است تا افراد بیشتری را از پشت میله‌های زندان آزاد کند.

در جودش احساس آرامش دارد. خاطره تلخ تصادف پدرش را فراموش نکرده است. هنوز وقتی درباره تصادف مرگبار صحبت می‌کند چشمانش پر از اشک می‌شود. وقتی از دختر جوان می‌خواهیم ماجرا را برایشان بازگو کند با صدایی بغض آلود می‌گوید: آن شب باران بسیار شدیدی در حال

باریدن بود. همیشه پدرم تا ساعت ۸ به خانه می‌رسید ولی آن‌شب هرچه منتظرش ماندم نیامد. دل شوره داشتم چندباری هم با تلفن همراهش تماس گرفتم، اما پاسخ نداد. نیمه‌های شب بود که مردی با خانه‌مان تماس گرفت. او خبر تصادف پدرم را داد.

پدرم را به بیمارستان برده بودند. من و مادرم سریع خودمان را به بیمارستان رسانیدم. در راه دعا می‌کردیم برای پدرم اتفاق بدی رخ نداده باشد اما وقتی به قسمت اورژانس بیمارستان رسیدیم و سراغ پدرم را گرفتیم پزشکان گفتند به خاطر ضربه شدیدی که به سرش وارد شده جانش را از دست داده است. آن شب یکی از بدترین شب‌های زندگی‌ام بود. این صحنه‌ها برایم تازگی نداشت. این حادثه تکرار تلخ خاطره‌ای بود که سال‌ها در ذهنم رژه می‌رفت. چندسال پیش خواهرم هم وقتی از دانشگاه به خانه برمی‌گشت قربانی تصادف مرگبار شده بود. حالا پدرم هم دچار سرنوشت مشابهی شده بود.

وی می‌گوید: من و مادرم تنها شده بودیم و دیگر هیچ پشت‌پنهای نداشتیم. بعد از مراسم

**دختر جوان پس از بخشش قاتل پدرش، از خانواده‌اش طرد شد**

# نجات دغدغه من است

خاکسپاری پدرم یک روز راننده را که مرد جوانی بود دستبندزده به در خانه‌مان آوردند. مرد جوان سرش پایین بود. در آن چندروز فهمیده بودم که مسافرش است و دوفروزند بیمار دارد. دلم برایش می‌سوخت. فقط یک جمله به من گفت: می‌دانم کار اشتباهی کرده‌ام منتظر هم ندارم من را ببخشید. از زیر سنگ هم شده پول دیه را فراهم می‌کنم.

دختر جوان ادامه می‌دهد: یک روز به سراغ خانواده‌اش رفتم. خانه‌ای در منطقه پایین شهر. مرد جوان دو تا فرزند داشت که به‌خاطر ازدواج فامیلی معلولیت جسمی داشتند و تحت نظر پزشک بودند. روزگار ناخوشی داشتند وقتی برای رضایت دادن مصمم شدم که از پزشک معالجان شدم هیچ امیدی به زندگی این کودکان نیست.

وی می‌گوید: وقتی اقوام و آشنایان را در جریان ماجرا قرار دادم با من مخالفت کردند و گفتند تو نباید رضایت بدهی. راننده گناهکار است و باید نتوان آن را پس دهد. گوششان به این حرف‌ها بدهکار نبود. تهدیدم کردند که مرا طرد خواهند کرد اما با این حال تصمیمم را گرفته بودم. چهره معصوم آن دو کودک مدام جلوی چشمانم ظاهر

### در صحنه جنایت رخ داد

# مرد قاتل برای نجات زندگی همسرش نذر کرد

با مشکلاتی که بین ما وجود دارد کنار بیاید اما او اصلا حواسش به من و زندگی نبود. حس می‌کردم از تباط پنهانی دارد. مدتی بود که کابوس‌های عجیب و غریب ذهنم را درگیر کرده بود. تا این‌که ظهر سه‌شنبه در خانه تنها شدیم.

مشغول خوردن ناهار بودیم که دوباره بحث بین ما شروع شد. حرف‌های من را گوش نمی‌داد تا این‌که کنترل خودم را از دست دادم و وقتی که او قصد داشت به داخل سرویس بهداشتی برود با کارد آشپزخانه یک ضربه به پهلویش زدم. روی زمین افتاد تا این‌که بعد از ۶ دقیقه احساس کردم دیگر نفس نمی‌کشد و بلافاصله پلیس را در جریان جنایتم قرار دادم.»

قاضی جمشیدی بازپرس شعبه سوم دادسرای جنایی تهران بعد از شنیدن اعترافات مهرداد از او خواست دفاعش را هم اعلام کند.

مهرداد برای دفاع از خود به بازپرس پرورنده گفت: «پشیمانم. بعد از جنایت وقتی پلیس‌ها در خانه‌ام بودند پزشک تیم جنایی گفت که همسرم علایم حیاتی دارد و امکان این هست که هنوز نمرده باشد. آن موقع خیلی خوشحال شدم و برای زنده ماندنش نذر کردم. نمی‌خواستم کار ما به این‌جا بکشد.

من همسرم را دوست داشتم و نمی‌خواستم تصور کنم با مرد دیگری در از تباط است. اما هر وقت این موضوع را پیش می‌کشیدم سیمین با حرف‌های عجیب و غریبش شکم من را بیشتر می‌کرد. او نمی‌خواست کوتاه بیاید.» به دستور بازپرس جمشیدی تحقیقات برای روشن شدن زوایای مبهم پرورنده ادامه دارد.

### آزیر

### کشف محموله داروهای غیر مجاز در یک انبار



سهه عامل تهیه و توزیع داروهای غیر مجاز تر کاعتیاد در مشهد دستگیر شدند. به گزارش پایگاه خبری پلیس، سرهنگ حسین مولوی‌نسب در تشریح این عملیات ضربتی گفت: مأموران پلیس مبارزه با موادمخدر در اقدامی اطلاعاتی به دیپوی محموله داروهای غیرمجاز ترک اعتیاد داخل انباری زیرزمینی در مشهد دست یافتند.

وی ادامه داد: پلیس پس از چندین ساعت تعقیب و مراقبت‌های نامحسوس، محل مورد نظر واقع در محدوده بلوار وکیل آباد، مشهد را شناسایی و با هماهنگی مقام قضایی پاکسازی کرد. در این عملیات ۷۱۵ هزار عدد قرص، ۷۱۵ آمپول و مقادیری شربت‌های خوراکی غیرمجاز ترک اعتیاد کشف شد.

رئیس پلیس مبارزه با موادمخدر خراسان رضوی خاطر نشان کرد: ۴۰سکه ربیع‌بهار آزادی، ۲۰نیم‌سکه و عسکه بهار آزادی به همراه دوعده جعبه معالوت غذا و داروی دانشگاه علوم پزشکی مشهد هم کشف و سه عامل این اقدام مجرم‌مانه هم دستگیر شدند.

### فسیل ماقبل تاریخ

در «دلفان» کشف شد



فسیل ۲۰متری که مربوط به ماقبل تاریخ است در شهرستان «دلفان» استان لرستان کشف شد. وقتی پلیس لرستان در جریان وجود یک فسیل و استخوان در کنار جاده درحال تعریض کردند «گاوکش» دلفان قرار گرفت، به همراه کارشناسان میراث فرهنگی به محل مورد نظر اعزام شد.

بررسی‌ها نشان می‌داد ماشین آلات راهسازی در حال جاده‌سازی بودند که کارگران با فسیل و استخوان‌های ماقبل تاریخ روبه‌رو شدند. گفتنی است استخوان‌ها و فسیل کشف‌شده ماقبل تاریخ به طول ۲۰ متر توسط کارشناسان میراث فرهنگی شهرستان دلفان در دست بررسی است.

### تیراندازی مرگبار در ادا راه پست بیرنکام



مردی در ایالت آیاباما دو کارگر اداره پست را به ضرب گلوله کشت. پلیس شهر «بیرنکام» در ایالت آیاباما گفت: مردی که لباس کارگران اداره پست را بر تن داشت دو کارگر را به ضرب گلوله کشت و سپس اقدام به خودکشی کرد. به گفته پلیس این مرد ممکن است اخیراً از سوی اداره پست اخراج شده باشد. هنوز در مورد انگیزه تیراندازی این مرد گزارشی مخابره نشده‌است.

### طیبات دندانپزشک قلابی در پیشوا

دندانپزشک قلابی که با راه اندازی مطب اقدام به طبابت کرده بود، دستگیر شد. مردی از اتباع بیگانه غیر مجاز با تبلیغات گسترده ، پخش تراکت و کارت های ویزیت اقدام به راه اندازی مطب دندان پزشکی به‌طور غیر مجاز کرده بود. پلیس در جریان فعالیت غیرمجاز این مرد افغانی قرار گرفت. وقتی تیم تحقیق به بررسی پرونده های مشابه دست زدند متوجه شدند این مرد افغانی از مدت ها پیش تحت تعقیب بوده است. با این سرخ آکویی از مأموران پلیس اطلاعات به همراه عوامل شبکه بهداشتی به مطب این مرد رفتند و وی را در هنگام طبابت دستگیر کردند.

این مرد افغانی بدون اخذ هیچگونه مدارک پزشکی و بهداشتی اقدام به راه اندازی مطب دندانپزشکی کرده بود. مطب این مرد که در شرایط کاملا غیر بهداشتی اداره می‌شد پس از هماهنگی قضایی پلمپ شد و متهم پس از اعزام به دادسرا با صدور قرار مناسب به اتهام دخالت در امور پزشکی و اقامت غیر مجاز روانه زندان شد.